

	فارسی	عربی فصیح	عربی حجازی
۱	راننده	سائق	سَوَاک
۲	اتوبوس	الحافلة	باص
۳	بایست	وَقَّفَ	وَكَّفَ
۴	بله	نَعَمْ	أَيَّوَه
۵	چه می خواهی ؟	ماذا تُريدُ ؟	إش تَبغی ؟
۶	من / ما	أنا / نحنُ	آنی / إحنه
۷	مدیر کاروان	مدیر القافلة	حَمَلْدَار ، مُعَلِّم
۸	اتوبوس می خواهم	أريدُ حافلة	أبغی باص
۹	آیا امکان دارد ؟	أَيُمْكِنُ ؟	مُمْكِنُ
۱۰	صندلی	مَقْعَد (جمع مقاعد)	کُرْسِيّ (جمع کراسی)
۱۱	کجا ؟	أينَ ؟	وین ؟
۱۲	اینجا / آنجا	هنا / هناک	إهنا / إهناک
۱۳	آنها ایستاده اند	واقفین	واکْفِین
۱۴	عیبی ندارد ، باشه	لا بأسَ	ما فی مشکلة ، ما شی
۱۵	از کجا ؟	من أينَ	إمّنین
۱۶	صد و سی	مِئَة و ثلاثون	مِیَّه و ثلاثین
۱۷	ولی ، اما	لکن	بَسْ
۱۸	خیابانها شلوغ است .	الشوارعُ مُزدحمةٌ .	الشوارع زَحَمه .
۱۹	باید بروم	يَجِبُ أَنْ أذهبَ	لازمُ أروحُ
۲۰	پل	جِسْر	کُوبْرِی

فارسی	عربی فصیح	عربی حجازی
۲۱ می نشینند	يَقْعُدْنَ	إِبْكَعْدُونْ
۲۲ باشه ، اشکالی نداره	لَا بَأْسَ	ماشی ، ما فی مشکله
۲۳ ای مدیر آنها را بشمر	یا مدیر ! عُدْهُمْ	یا معلم ! عُدْهُمْ
۲۴ حرکت کن ، برو	تَحَرَّكْ ، اِذْهَبْ	تَحَرَّكْ ، رُحْ ، اِطْلَعْ
۲۵ کمی صبر کن	اصبر قليلاً	صَبِرْ (اصْطَبِرْ، اِسْتِنَّا) شَوِّ
۲۶ اجازه بده راهنما بیاد	دَعْ المرشد يَأْتِي	خَلِّ يَجِي المرشد
۲۷ او نیامد	هُوَ مَا جَاءَ	هُوَ مَا جَايَ
۲۸ چه کسی کرایه می دهد ؟	مَنْ يُعْطِي الأجرة ؟	مِنْ يَطِّي أُجْرَه ؟
۲۹ آیا آب هست ؟	هل يُوجد الماء ؟	مای فی ؟
۳۰ نیست / پول نیست	ليس / ليس النقود موجوداً	ما فی / فُلُوس ما فی
۳۱ بفرمایید	تَفَضَّلْ	اِتَفَضَّلْ
۳۲ چی شده ، چه خبر ؟	ما الخبر ؟	إش فی ؟
۳۳ می خواهیم برویم	نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ	نَبْغِي اِنْرُوحَ
۳۴ ببین ، نگاه کن	اُنْظُرْ / اُنْظُرِي / اُنْظُرُوا	شُوفْ / شُوفِي / شُوفُوا
۳۵ برو با تلفن تماس بگیر	اِذْهَبْ وَ اتَّصِلْ هَاتِفِيّاً	روحْ اِتَّصِلْ بالتليفون
۳۶ بگذار ، اجازه بده	دَعْ	خَلِّ
۳۷ اجازه بده ماشین بیاد	دَعْ تَأْتِيك سياره	خَلِّ تَجِيك سياره
۳۸ چمدان را اینجا بگذار	اجعل الحقيبه هُنا	خَلِّ الشِنْطَه اِهنا
۳۹ متوجه باش	كُنْ مُنْتَبِهاً	خَلِّك مُنْتَبِه
۴۰ خدا تو را حفظ کند	الله يحفظك	الله يُخَلِّيك

فارسی	عربی فصیح	عربی حجازی
۴۱ من با تو توافق کردم	أَنَا اتَّفَقْتُ مَعَكَ	آنی اتَّفَقْتُ مَعَاک
۴۲ تا حالا کار کردم	عَمِلْتُ حَتَّى الْآن	اِسْتَعِلْتُ دَحِينَ
۴۳ من خسته و خواب آلودم	أَنَا تَعْبَانُ وَ نَعْسَانُ	آنی تَعْبَانُ وَ نَعْسَانُ
۴۴ برو و مریض را بیاور	اِذْهَبْ وَ اِجْلِبْ الْمَرْضَى	رُوحْ جِيبْ مَرْضَى
۴۵ من راه را بلد نیستم	أَنَا لَا أَعْرِفُ الطَّرِيقَ	آنی مَا أَعْرِفُ الطَّرِيقَ
۴۶ از کجا؟	مِنْ أَيْنَ؟	اِمْنِینْ؟
۴۷ از کجا بروم؟	مِنْ أَيْنَ أَذْهَبُ؟	اِمْنِینْ أَرْوَحْ
۴۸ اگر قبول کردی ، برویم .	إِنْ تَقَبَّلَ نَذْهَبُ	إِذَا تَقَبَّلَ اِنْرُوحْ
۴۹ این حجاج بیمارند.	هَؤُلَاءِ الْحَجَّاجُ مَرْضَى .	هَؤُولَهُ الْحَجَّاجُ مَرْضَى .
۵۰ بگیر ، بردار	خُذْ	أُخِذْ
۵۱ این برگه را بگیر.	خُذْ هَذِهِ الْوَرَقَةَ .	أُخِذْ هَذِهِ الْوَرَقَةَ .
۵۲ ما از ایران هستیم	نَحْنُ مِنْ إِیرَان	اِحْنِهِ مِنْ إِیرَان
۵۳ لطفا به آنها بگو	رَجَاءٌ قُلْ لَهُمْ	رَجَاءٌ كُلْهُمْ
۵۴ مقابل ، جلو	أَمَامَ	گِدَّامَ
۵۵ چه کسی؟	مَنْ؟	مِینْ؟
۵۶ با من باش	کُنْ مَعِی	خَلِّیک مَعَای
۵۷ صد هزار	مِئَّةُ أَلْفٍ	مِئْتُ أَلْفٍ
۵۸ مدیر می آید	یَجِیْءُ الْمَدِیرُ	المَعْلَمُ اِیْجِی
۵۹ مدیر آمد	جَاءَ الْمَدِیرُ	المَعْلَمُ اِجَا ، المَعْلَمُ جَاِ
۶۰ سرویس بهداشتی	دُورَةُ الْمِیَاهِ ، مُرَافِقُ صِحِّیَّةٍ	حَمَامَ ، حَمَامَاتِ ، مُرْحَاضِ

عربی فصیح	عربی حجازی	فارسی	
أهلاً بكَ	أهلاً بیک	خوش آمدید	۶۱
ما بكَ؟	اش فیک؟	تو را چه شده؟	۶۲
لا یقدرُ	ما یگذرُ	نمی تواند	۶۳
لا یقدرُ أن یذهب	ما یگذرُ إیروحُ	نمی تواند برود	۶۴
یجبُ أن یرقدُ	لازمُ یرقدُ	باید بستری بشود	۶۵
زوجة	حُرْمِه	همسر	۶۶
نساء	حَریم	زنان	۶۷
زوجة المریض هُنا؟	حُرْمَة المریض هُنا؟	همسر مریض اینجاست؟	۶۸
الآن	دَحینُ	اکنون	۶۹
غداً	بُکرا	فردا	۷۰
نحنُ سوف نذهب غداً .	احنه راح نُروح بُکرا.	ما فردا خواهیم رفت .	۷۱
بَعْدَ غَدٍ	بعد بُکرا	پس فردا	۷۲
کم؟	اش گد؟	چقدر؟	۷۳
کم عمرک؟	اش گدِ عُمُرک؟	چند سال دارید؟	۷۴
تُوفِّيَ	اتُوفِّيَ	فوت کرد	۷۵
ليلة أمس	البارحة	دیشب	۷۶
تَقَبَّلْ تَعازینا	اِتَقَبَّلْ تَعازینَه	تسلیت ما را بپذیرید	۷۷
البقیةُ فی حیاتک .	البگیةُ بِحیاتک	باقی عمر شما باشد.	۷۸
ماذا نفعل؟	اش اِنسَوی؟	چه کار کنیم؟	۷۹
لماذا	لِشْ، لِیشْ	برای چه؟	۸۰

فارسی	عربی فصیح	عربی حجازی
۸۱ مشکلی نیست	لا بأسَ	ما فی مشکله
۸۲ من مطمئن نیستم	أنا لستُ متأكداً	آنی مو متأكداً
۸۳ برو کمی فکر کن (مؤنث)	إذهبی و فکری قليلاً	روحی و فکری شوی
۸۴ ببینم نظرشان چیست ؟	أری ما هو رأيهم	أشوف إش رأيهم
۸۵ من با بعته صحبت می کنم	أنا أتحدّثُ مع البعثة	آنی أحکي مع البعثة
۹۶ چشم ، اطاعت	على عینی و رأسی	أبشِرْ
۸۷ چمدان	حقیبة (جمع حقائب)	شِنْطَه
۸۸ مستقیم برو	إذهب إلى الأمام	رُح على طول
۸۹ شیشه	زجاج	گُزاز
۹۰ در را باز کن	افتح الباب	فُک الباب
۹۱ شما اهل کجا هستید ؟	أنت من أي بلد ؟	إنت من فین ؟
۹۲ چه وقت اینجا رسیدید ؟	متی واصلتم هنا ؟	متی واصلت إهنا ؟
۹۳ اسم شما چیه ؟	ما اسمک ؟	إش اسمک ؟
۹۴ من خیلی راحت و راضیم .	أنا مبسوط كثيراً .	آنی مبسوط مرّة .
۹۵ الان چکار می کنی ؟	ماذا تفعل الآن ؟	إش تُسوّی دحین ؟
۹۶ اون هنوز اینجاست .	هو حتی الآن هنا .	هو لیسع إهنا .
۹۷ دوستت کجاست ؟	أین صديقک ؟	فین صاحبک ؟
۹۸ من باید مدیر رو ببینم .	يجب أن أقابل المدير .	لازم أقابل المدير .
۹۹ پاشو بریم	ياالله نذهب	ياالله نمشی .
۱۰۰ بعدا می ریم .	سوف نذهب بعداً .	حَنروح بعدين .

فارسی	عربی فصیح	عربی حجازی
۱۲۱	بیا پایین / برو بالا	انزل / اصعد
۱۲۲	کجا می ری ؟	این تذهب ؟
۱۲۳	با مدیر قرار دارم .	عندی موعد مع المدير
۱۲۴	او چرا برگشت ؟	لماذا هو رجع ؟
۱۲۵	ما مدتی منتظرشان هستیم .	نحن ننتظرهم من مدة
۱۲۶	من متاسفم	أنا متأسفم .
۱۲۷	من کمی عجله دارم .	أنا مُستعجلٌ قليلاً .
۱۲۸	ما عجله داریم .	نحن مُستعجلين .
۱۲۹	تو الآن بیکاری ؟	هل أنت فاض الآن .
۱۳۰	می خوام برم بازار	أريد أن أذهب إلى السوق .
۱۳۱	با تو خواهم آمد .	سوف أجيء معك .
۱۳۲	من چیزی نمی دونم .	أنا لا أعرف شيئاً .
۱۳۳	من همه جا را گشتم .	أنا بحثت كل مكان .
۱۳۴	خدا به تو توفیق بده .	الله يُوفِّقك .
۱۳۵	ان شاء الله	إن شاء الله .
۱۳۶	من متولد سال ۱۴۰۰ هستم	أنا مولود سنة ألف و أربعمئة
۱۳۷	فردا می خرم .	غداً نشتري .
۱۳۸	پول به اندازه کافی ندارم	ليس عندي نقود كافية
۱۳۹	مردی که اونجا ایستاده کیه ؟	مَن هو الرجل الذي واقف هناك
۱۴۰	ما خواب بودیم .	كنا نائمين .
		کنا نایمین .

عربی حجازی	عربی فصیح	فارسی	
هَذَا عَجَبَنِي .	هَذَا الشَّيْءُ أَعْجَبَنِي	از این خوشم اومد	۱۰۱
بِكُمْ ؟ آخِرُ كَلَامٍ .	كَمْ سَعْرُهُ ؟ آخِرُ كَلَامٍ	چقدره ؟ آخر کلام	۱۰۲
يُمْكِنُ ؟	هَلْ يُمْكِنُ ؟	آیا امکان داره (همیشه)	۱۰۳
طَيِّبٌ ، مَعْلِيشٌ .	طَيِّبٌ ، لَا بَأْسَ .	باشه . اشکال نداره .	۱۰۴
تَبَغَى شَوْفَ شَيْءٍ تَانِي ؟	هَلْ تَرِيدُ أَنْ تُشَاهِدَ شَيْئًا آخَرَ ؟	می خوای چیز دیگه ببینی ؟	۱۰۵
مَوْ دَحِينٌ ، شُكْرًا .	الْآنَ لَا ، شُكْرًا .	الآن نه . ممنونم .	۱۰۶
أَيَّ خِدْمَةٍ تَانِيَّةٍ ؟	أَيَّ خِدْمَةٍ ثَانِيَّةٍ ؟	امر دیگه ای دارید ؟	۱۰۷
مَبْرُوكٌ .	مَبْرُوكٌ .	مبارک باشد .	۱۰۸
اللَّهُ يُبَارِكُ فَيْكُ .	اللَّهُ يُبَارِكُ فَيْكُ .	خدا بر شما مبارک گرداند .	۱۰۹
هَذَا يُكَلِّفُ كَمْ ؟	هَذَا الشَّيْءُ	این چقدر هزینه اش می شه ؟	۱۱۰
رَخِيصٌ ، بِلَا فُلُوسٍ .	رَخِيصٌ ، بِلَا نَقُودٍ	ارزونه ، بدون پول .	۱۱۱
يَعْنِي كَمْ ؟	يَعْنِي كَمْ سَعْرُهُ ؟	یعنی چقدر ؟	۱۱۲
عَشْرِينَ رِيَالٍ بَسَ .	عَشْرُونَ رِيَالٍ فَقَطْ .	بیست ریال فقط	۱۱۳
مَوْ مَعْقُولٌ . هَذَا غَالِيٌ .	لَيْسَ مَعْقُولًا . هَذَا غَالٍ .	قابل قبول نیست این گرونه .	۱۱۴
عَشَانِ خَاطِرُكُ خَمْسَطَعَشَ	لَأَجْلِكَ خَمْسَةُ عَشَرَ رِيَالٍ .	بخاطر شما پانزده ریال .	۱۱۵
سَبْعَطَعَشَ وَ خَلَصَ .	سَبْعَةُ عَشَرَ رِيَالٍ يَكْفِي	هفده ریال تمام .	۱۱۶
إِسْمَحْ لِي ، فَيَنْ الْبَنْكُ ؟	إِسْمَحْ لِي ، أَيْنَ الْمَصْرَفِ ؟	با اجازه ، بانک کجاست ؟	۱۱۷
لِفِ يَمِينٍ فِي آخِرِ الشَّارِعِ	اِذْهَبْ إِلَى الْيَمِينِ فِي آخِرِ الشَّارِعِ .	برو سمت راست ، آخر خیابونه	۱۱۸
دُغْرِي ، وَرَا الْبَرِيدِ .	إِلَى الْإِمَامِ ، خَلْفَ الْبَرِيدِ .	مستقیم ، پشت اداره پست .	۱۱۹
مَشْكُورِينَ .	مَشْكُورِينَ .	متشکریم	۱۲۰